



تمدن بی آفتاب



کشانده است. جست و جویی اندک در میان صفحات پژوهشی دین‌شناسی و مردم‌شناسی می‌تواند نشان دهد که در طی پانصد سال گذشته تاکنون تمدن بی آفتاب غرب، با مکاتب و تفکرات تولیدی، خود، چگونه بشریت را به عمیق‌ترین و فاجعه‌بارترین چالش‌ها و حوادث خونین کشانده است.

درندگان، نمایندگان دنیای جدید

دوم: «این جنگ جنگ با تروریست‌ها نیست. جنگ ارزش‌هاست. ارزش‌های دنیای آزاد که ما نماینده آن هستیم» این جملات را «تیسیتی لیونی» وزیر خارجه ۵۰ ساله رژیم اشغالگر صهیونیستی، در نخستین روز حمله به سرزمین غزه، در حالی گفت که هواپیمای اف-۱۶ و تانک‌های مراکوی اسرائیل، بیش از ۴۰۰ نقطه مسکونی را در مدت چند ساعت به خاک و خون کشیده و ده‌ها کودک و مرد و زن را به شهادت رسانده بودند. با وقوع این حملات خون‌بار و وحشیانه، حتی کوچکترین واکنش و اعتراضی از مراکز سیاسی تمدن غرب دیده نشد و پس از گذشت دو هفته از حمله اسرائیل رییس سازمان بین‌المللی «بان کی مون» از کشته شدن دو سرباز حافظ صلح این سازمان، اظهار تأسف کرد؛ آن هم فقط اظهار تأسف؛ این همان مراکز سیاسی و محافل پرطمطراقی هستند که برای جان‌باختن چند دلفین یا بچه میمون، همه سازمان‌های حقوقی و سیاسی دنیا را با غوغای رسانه‌ای، بسیج می‌کنند. اگر چه در دنیایی که مهمترین دغدغه کلخدای جدید آن یعنی باراک اوباما در نخستین روزهای ریاست‌جمهوری خود و در کوران کشتار کودکان غزه، انتخاب توله‌سگ برای دخترش باشد، چه انتظاری می‌توان از غلامان سفیدرو و حلقه‌به‌گوش این ارباب‌سیاه داشت!

بمب‌های ضد مخزن، گلوله‌های خوشه‌ای، خمپاره‌های آتش‌زاه، هدیه‌های بابانوئل غرب بودند که اینبار نه با صدای زنگوله‌گوزن قطبی که با غرش جنگنده بمب‌افکن‌های ایالات متحده بوفالوهای وحشی، وحشت و مرگ راه بر سر و روی کودکان بی‌پناه و مظلوم فلسطینی، آن هم در خواب شیرین نیمه شب، فرو ریخت. دنیای آزاد ازاد و مدرن غرب که نماینده تام‌الاختیاری چون اسرائیل راه در شنیع‌ترین ایام تاریخ تجاوز و تبتانی خود، یعنی جنگ جهانی دوم، در خاورمیانه بر سر

الکترونیکی، پذیرفته و منکر همه قواعد متافیزیکی می‌شود. حال آن‌که اگر زندگی خاکی بشر در طی ده هزار سال هیبوط بشر بر روی زمین، همراه با تعلیم و تزکیه انبیاء الله (ع) و مبتنی بر اعتقاد به ماوراءطبیعت و احکام الهی نبود، بدون شک فرجامی جز زندگی بدوی و فراتر نرفتن از عصر سنگی و غارنشینی برای انسان در پی نمی‌داشت. آن‌چه نبی مکرم اسلام حضرت ختمی مرتبت (ص) فرموده‌اند که: «ما پیامبران الهی آموزگاران همه مردمان هستیم» از همین روست. تعلیم و آموزه‌های وحی و نبوت همان خورشید درخشانی است که در تابش آن، همه تمدن‌های عظیم، بشری شکفت و در گرمابخشی آن، ساقه‌ها و شاخه‌های زندگی، ثمرات شیرینی را به بار آورد. حذف خدا و اخلاق الهی و جایگزینی علم و عقل محض تجربی و آزمایشگاهی و هم‌چنین اخلاق تجربی بانگاه مادی‌گرایانه، سودانگاران و لذت‌جویانه بشری همراه شد و تا آن‌جا رسید که از بشر تعلیم‌نیافته در محضر خورشید نبوت و نشکفته در نسیم وحی، انسان‌نماهای متحرکی ساخت که از تعریف منطقی انسان یعنی حیوان ناطق، به همان بند نخست آن اکتفا نموده و خود را به منتهی‌الیه پستی و دونی و رذالت

عقب‌گرد به عصر سنگی

اول: «تاشا» دختر جوان بلند قامت بریتانیایی فکر می‌کند، حیوان است. او بدون قلاده هیچ کجا نمی‌رود و در خانه نیز نظافت و نظم را به هیچ وجه رعایت نمی‌کند. «تاشا» با نامزد خود مدت‌هاست که زندگی می‌کند و در کنار تحصیل در رشته «فن‌آوری موسیقی» زیست حیوانی را بر زندگی انسانی ترجیح می‌دهد. روانکاوان هیچ‌گونه علائم بیماری‌های روانی را در او مشاهده نمی‌کنند و بر این باورند که او با سلامت جسمی و ذهنی کامل به این انتخاب رسیده است. دولت لندن نیز به او و نامزدش که هنوز از دواج نکرده‌اند، کمک مالی نموده و خانه‌ای را در اختیار آن دو قرار داده است. خبر زندگی حیوانی و مسخ دختر جوان تحصیل کرده انگلیسی، در کنار هزاران خبر عجیب و غریب دیگر همچون اصرار کودکان بر زندگی و سخن گفتن با حیوانات و تقلید از آنان، اوج سقوط ساختار اجتماعی تمدنی است که در همه زوایای زندگی بشر، حقیقت‌نورانی وحی و نبوت را به کناری نهاده و ولایت تجربه و حس را جایگزین آن نموده است. تمدنی که اثبات فرضیه‌ها و نظریه‌ها را تنها با مشاهده در زیر چشم شیشه‌ای میکروسکوپ‌های

راه نهاد، اکنون در دل شادمان از ذبح خونین فرزندان غزه است. شاید در هیچ مقطعی از تاریخ، چهره زشت و جنایتکار و عفريت تمدن غرب اینگونه برای بشریت آشکار نشده باشد که امروز اسرائیل آن را عربان و بی آرایش و فریب، در برابر دیدگان همه دنیا قرار داده است. این همان بخش مخفی تمدن غربی است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «در جنگ‌ها از پرده برون می‌افتد» و چهره ناموزون و خشن خود را نشان می‌دهد. پیوند تفکر منجمد و متنسک سلفیه و در یک کلام اسلام آمریکایی با این نماینده‌های دنیای جدید، نشان از چه می‌دهد، جز بر سر راه نهاده شدن همزمان و هم هدف، این دو مولود نامشروع تمدن غرب در سرزمین‌های اسلام؟ آیا فروریختن گلوله‌های پیشرفته فسفری که تا مغز استخوان را خاکستر می‌کند و بمب‌های خوشه‌ای میسکت، با ۲۲۰ بمب و متشکل از دو هزار مرمی و ترکش آلوده به رادیواکتیو، آن هم در منطقه مسکونی که بدل از قتلگاه عاشورایی آخر الزمان مردمانی دست خالی است، نشانه خوبی از منطق و تجربه بشری عاری از وحی و آسمان نیست؟ تمدن غرب و مدرنیسم در همه زوایای زیست‌خاکی و حیوانی خود به مراحل و درکاتی از انحطاط رسیده است که هر کسی را در مقام خود به حیوانیت می‌کشاند، بلکه پایین‌تر. کسی چه می‌داند! شاید در این دنیای آزاد آن چنان که «تاشا» می‌خواهد سنگ باشد، «کاندولیزا رایس» و «تیسپی لیونی» نیز می‌خواهند گرگ یا کفتار باشند و آزادانه بشریت را بدرند و بکشند و بسوزانند. در این سیاهه بازار روزگار، مشعل هدایت و پایداری حماسه عاشورایی حماس، اگر چه غریبانه و مظلومانه است اما آنچنان سوزان و پرتوان است که چون صاعقه در شب همه در خواب شدگان بشر را بیدار می‌سازد. چه تطبیق زیبایی یافت این محرم خون‌رنگ و چه تفسیر زیباتری که «ان‌الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة»

رمز استیلای غرب

سوم: آنچه که در این پانصد سال گذشته تاکنون غرب را در همه ابعاد و زوایای زندگی، در استیلای بر بشریت و ملل عالم موفق ساخته، علاوه بر ضعف ارادی ملل و قدرت نظامی و رسانه‌ای استعمار، نظم و تدبیر غرب در امور دنیایی است. این خصیصه اگر چه در

آثار و نتایج و منافع استکباری به کار رفته، اما نقطه قوتی است که دنیای مظلوم و استبداد زده و استعمار شده باید از آن درس گرفته و در افق آینده و چشم‌انداز حرکت خود به آن توجه عمیق و دقیقی داشته باشد. بدون شک دستیابی به هیچ هدفی، بدون اراده و انگیزه و نظم و تدبیر و برنامه‌ریزی محقق نخواهد شد. تمدن غرب و به ویژه کشورهای استعماری در برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلند مدت، با نگاه تولید نرم افزاری علم و تدوین و تبویب همه نظریه‌ها، بی‌بهاترین و کم‌ارزش‌ترین اندیشه‌ها را به آراسته‌ترین شکل، آرایه می‌نمایند و این نکته‌ای است که مقتدای عظیم القدر جهان اسلام مقام معظم رهبری بارها و بارها به دنیای اسلام و به ویژه دست اندرکاران سیاسی و اجرایی و نخبگان حوزه و دانشگاه، به ویژه نسل جوان حوزه و دانشگاه گوشزد نموده‌اند. «تونی بلر» نخست‌وزیر پیشین انگلیس مدعی است: «می‌توانم بگویم، هر روز قرآن می‌خوانم، آن هم به صورت مرتب» به راستی سیاستمدار کاتولیکی چون «تونی بلر» چه نیازی به خواندن کتاب آسمانی مسلمانان دارد، جز آن که به اسرار و زوایای پنهان آموزه‌های تنها رقیب دنیای غرب یعنی دنیای اسلام، واقف گشته و در برابر آن تدبیر و برنامه‌ای بهتر را برگزیند؟ دقت عمل و پیگیری دنیای غرب را فقط با یک نگاه گذرا به کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی و از حجم عظیم تحقیقات، تصحیح، تبویب و تدوین آثار ارزشمند دنیای اسلام توسط محققان غربی، می‌توان دریافت.

دنیای مردم

چهارم: در پایانی‌ترین ماه‌های سال ۲۰۰۸ میلادی، دو خانواده همجنس‌باز (دو زن و دو مرد) با یکدیگر در قالب ازدواج گروهی و مشترک، زندگی خود را آغاز کردند. این نوع زندگی بیشتر در قبايل وحشی و بدوی پیش از قرون وسطی مرسوم بوده و در دنیای جدید نمونه‌نداشته است.

«لری فلینت» مدیر کمپانی دختران وحشی آمریکا، برای رهایی صنعت پورنوگرافی از بحران اقتصادی، از دولت آمریکا درخواست ۵ میلیارد دلار را نموده است. او تأکید کرده است «مردم آمریکا ممکن است بدون ماشین به زندگی خود ادامه دهند، اما بدون سکس، هرگز!»

این خبرها، در کنار آمار و ارقام رسمی دولت‌های غربی در فروپاشی نظام خانواده و افزایش کودکان سرراهی و بی‌سرپرست و قتل و تجاوز، گویاتر از هر چیزی است و جای هیچ انکار و تردیدی را، در نابودی اخلاقی تمدن غرب، باقی نمی‌گذارد. وقتی زنان بد کاره و فواحش به صورت رسمی در سیستم‌های حکومتی و سیاسی دنیای غرب بالاترین جایگاه و منصب را با تبلیغات غیر اخلاقی خود به دست می‌آورند، دیگر چه جایی برای حسن و قبح اعمال و تعالیم اخلاقی بشر باقی خواهد ماند. در دهه ۸۰ میلادی یکی از معروف‌ترین سوپر استارهای پورن، در ایتالیا با استفاده از صحنه‌های غیر اخلاقی به تبلیغ انتخاباتی پرداخت. از آن زمان تاکنون برخی از سیاستمداران زن غربی بارها سابقه غیر اخلاقی و مبتذل خود به جامعه، وارد مناصب حکومتی می‌شوند؛ بدون هیچ شرم و احساس خجالت! اکنون سیاستمداران غربی همسران بعدی خود را از میان مانکن‌ها و سوپر استارهای پورن برمی‌گزینند. «سارکوزی» و «پوتین» دو نمونه فاش شده‌اند. رابطه غیر اخلاقی همجنس‌گرایانه «کاندولیزا رایس» و وزیر خارجه آمریکا «تیسپی لیونی» و وزیر خارجه اسرائیل افشا شده است. وزیر دادگستری فرانسه «راشدا داتی» زن ۴۲ ساله و مجرد است. او فرزند نامشروع خود را در نخستین روزهای سال ۲۰۰۹ میلادی به دنیا آورد. معلوم نیست پدر این فرزند چه کسی است و خانم «راشدا» نیز با اعتراف به این مسئله تأیید کرده که «زندگی پیچیده‌ای داشته و دارد!» همه این صحنه‌ها فقط گوشه‌ای از عمق انحطاط اخلاقی دنیای آزاد و مدرن غربی است که همه مبتلایان به این نوع از تفکر را به افسردگی و تنهایی و پژمردگی و پوچ‌گرایی فرامی‌خواند. پایانی که جز مرگ در انتظار آن نیست. این همان تمدن آلوده و کثیف و مرده‌ای است که رسانه‌ها و به ویژه هالیوود، دنیا را به آن دعوت و در همه محصولات رسانه‌ای و دیداری و شنیداری، زیست آمریکایی و غربی را ترویج می‌کند. «پل ویتز» دانشمند آمریکایی می‌گوید: «اگر خدا برای ما مرده است، خانواده و جامعه ما نیز بدون شک مرده است!» آیا در این افسردگی و پژمردگی و روزمردگی بشر، زمان حیات و شکوفایی نرسیده است؟ «او یحیی الارض بعدموتها»